

جورج لیکاف

قلمرو تازه علوم شناختی

آن چه مقوله‌ها درباره ذهن فاش می‌کنند

(کتاب دوم: مطالعه موردی)

ترجمه

جهان‌شاه میرزاییگی



قیمت دورہ ۲ جلدی: ۶۵,۰۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت مرجع
۱۱	مقدمه
	کتاب دو: مطالعه موردی
۱۹	مطالعه موردی ۱: خنک
۷۵	مطالعه موردی ۲: روی
۱۴۵	مطالعه موردی ۳: ذر-ساخت
۳۳۷	پس‌گفتار
۳۴۱	مرجع‌ها
۳۵۹	نمایه

یادداشت مترجم

ترجمه را از لحاظ میزان (extent) برگرداندن متن مبدأ به متن مقصد به دو نوع ترجمه کامل (full translation) و ترجمه جزئی (partial translation) تقسیم بندی می کنند. در ترجمه کامل هیچ نشانی از متن مبدأ در زبان مقصد مشاهده نمی شود؛ مثلاً در ترجمه انگلیسی به فارسی، همانند متن این کتاب، هیچ نوع واژه یا حتی حرفی از زبان انگلیسی در زبان فارسی نمی آید. اما در ترجمه جزئی در مواردی، که ممکن است ضروری باشد، واژه ها یا حروف زبان مبدأ عیناً در زبان مقصد تکرار می شوند. ترجمه جزئی، عمدتاً، هنگامی ضرورت پیدا می کند که بنا به دستور یک زبان را به زبان دیگر ترجمه کنیم. مثلاً وقتی می خواهیم به ضمیر سوم شخص مفرد فاعلی در زبان انگلیسی اشاره بکنیم، چون در زبان فارسی معادلی برای آن نداریم، به ناچار در داخل ترجمه ما واژه های انگلیسی he و she مشاهده می شوند که مصداق ترجمه جزئی است. زبان فارسی تمایزی میان مؤنث و مذکر قائل نمی شود و به جای دو واژه بالا از ضمیر او استفاده می کند. این کتاب، همچنان که از نام آن پیداست، مطالعه موردی است و مورد مطالعه هم دستور زبان انگلیسی است. اکنون می دانیم که ترجمه کامل دستور زبان ها تقریباً غیر ممکن است. برای مثال page over

را ما ورق زدن و turn over را برگرداندن ترجمه می‌کنیم. در هیچ‌کدام از این دو معادل رد پای over که منظور اصلی مطالعه موردی است دیده نمی‌شود. مثالی را از داخل متن انتخاب می‌کنم:

گرچه بسیاری گویندگان، در نگاه اول، متوجه نمی‌شوند که وجودی عجیب با وجودی مرکزی متفاوت است، با کمی دقت معلوم می‌شود که غیر عادی است. ابتدا به نظر می‌رسد که شکل کوتاه‌شده فعل کوتاه‌شده است (is) است که نادرست است. is در این نوع جمله‌ها نمی‌تواند به جای 's (کوتاه‌شده is) بیاید. این مورد به چنان‌شان می‌دهد که 's کوتاه‌شده has است نه is.

دقت کنید که در متن بالا چه گونه می‌توان 's (کوتاه‌شده has) است نه is را به فارسی ترجمه کرد. نمونه دیگری که من در داخل متن به آن برخوردم بحث the c-constructions از مطالعه موردی ۳ است. این اصطلاح هسته اصلی مطالعه موردی ۳ را تشکیل می‌دهد. اول می‌خواستم آن را به ساخت‌های اشاری ترجمه کنم. اما با توجه به مطلب زیر، که باز هم از داخل خود کتاب آن را انتخاب کرده‌ام، متوجه شدم که این معادل چندان گویا نیست و در واقع نادرست است. چند واقعیت بایه

بگذارید با برخی واقعیت‌های نسبتاً مشهور و پایه شروع کنیم. دو نوع ساخت وجود دارد، اشاری و وجودی:
اشاری: اوناهاش هری با آن موهای قرمز

(There's Harry with his red hair.)

وجودی: دیشب مردی تیر خورد [رویدادی بود]

(There was a man shot last night.)

اصطلاح اشاری برای اشاره به واژه‌های این و آن به کار می‌رود که مخصوص اشاره کردن هستند، یا فقط نسبت به بافتی که در آن ادا

می شود قابلِ تعبیرند. در جمله اوناهاش هری با آن موهای
قرمزش،

واژه اوناهاش برای انتخاب محلی نسبت به گوینده به کار می رود.
قید حالتِ اندری^۱ است، چون محلی را انتخاب می کند، و اشاری
است، چون آن محل نسبت به گوینده انتخاب می شود. در حالتِ
وجودی، محل موردِ نظر نیست بلکه وجود مطرح است، در جمله
بالا وجود یک رویداد موردِ نظر است. بود (یا وجود داشت) در
جمله دیشب تیراندازی بود محلی را انتخاب نمی کند. بنابراین، در
حالی که اشاری می تواند همراه با حرکتِ اندام باشد، وجودی
نمی تواند.

مطلب طولانی شد اما به نظر من لازم بود. با اتکا به مضمون همین
مطلب من اصطلاح there-constractions را در ساخت‌ها ترجمه کردم.
این معادل میان بحثِ وجودی و اشاری خنثی است و به همین دلیل
معادلی مناسب‌تر از ساخت‌های اشاری یا هر معادل دیگری است.
ابتدا می خواستم همه مثال‌ها و اصطلاحات انگلیسی را در این کتاب،
همچنان‌که در ترجمه دستور زبان‌ها رسم است ترجمه نشده بیاورم. با
این حال، سرانجام تصمیم گرفتم اصطلاحاتی را که در نظم معادلِ مناسب
ندارند در متن داخلِ پراکنش بیاورم، که البته تعدادِ آن زیاد خواهد شد.
این کار ممکن است تا حدی برای خواننده مزاحمت ایجاد کند به این
وسیله مترجم پوزش می خواهد. نکته دیگری که لازم است بر این جا به
آن اشاره کنم کیفیتِ ترجمه مثال‌ها و اصطلاحات است. وقتی می خواستم
مثال را به فارسی روان ترجمه کنم منظور نویسنده در موردِ نکته دستوری
برآورده نمی شد. بهترین و کوتاه‌ترین مثال همان page over است که در

بالا به آن اشاره کردیم. بهترین معادل این اصطلاح در زبان فارسی همان «ورق زدن» است. اما در «ورق زدن» هیچ نشانی از روی (over) که منظور اصلی نویسنده در این مطالعه موردی است دیده نمی شود. در نتیجه مترجم به ناچار نتوانسته است از اصل بومی سازی ترجمه، که خود سخت به آن پای بند است، پیروی کند. البته، علی رغم همه این تبیین و توضیح های مترجم این کار حسنی هم دارد و آن این است که هرکجا مترجم احیاناً دچار لغزشی در ترجمه شده باشد خواننده می تواند پیام درست را از نمونه انگلیسی دریافت کند؛ از این بابت خیال مترجم راحت است.

اردیبهشت هزار و سیصد و نود و چهار

مقدمه

ما مرور کلی را به پایان رساندیم، اکنون وقت آن است که به اصل مطلب بپردازیم. دربارهٔ مدرسه‌های شناختی با عبارات بسیار کلی صحبت کردیم. اکنون می‌خواهیم ایده‌ای در این باره به دست آوریم که این مدل‌ها در جزئیات چه گونه به نظر می‌رسند؟ از آنجا که یک نشان بدهیم که مدل‌های گزاره‌ای، مدل‌های استعاره‌ای، کنایه‌ای، طرح‌وارهٔ تصویری و نمادی چه گونه‌اند. قبلاً گفتیم که برای توصیف مناسب پدیده‌های شامل استعاره، کنایه، طرح‌وارهٔ تصویری و مقوله‌های سماعتی یک رویکرد تجربی لازم است. اکنون وقت آن است که نشان بدهیم یک چنین رویکردی چه کاری می‌تواند انجام بدهد.

سه مطالعهٔ موردی را ارائه خواهیم کرد. چون من زبان‌شناس ام، این مطالعات همه شامل زبان‌اند، اما برای این که نشان بدهیم که روش تحلیل محدود به یک تک موضوع خاص نیست، این مطالعات سه حوزهٔ متفاوت را پوشش می‌دهند - مفاهیم، واژه‌ها و ساخت‌های دستوری. هر مطالعه یک حوزهٔ سرکش و نافرمان را برگزیده است، حوزه‌ای که تکنیک‌های تحلیل کلاسیک نمی‌توانند آن را به صورت مناسبی برای پدیده‌ها توصیف کنند. بنابراین، مطالعات موردی صرفاً مثال‌هایی از چگونگی

عملکرد رویکرد مدل‌های شناختی تلقی نمی‌شوند، بلکه هر کدام به جای خود جالب‌اند.

اولی مطالعه یک مفهوم، یعنی مفهوم خشم است. این مفهوم به چند دلیل از حوزه عواطف^۱ برگرفته شده است. عواطف را غالباً احساسات تهی از محتوای مفهومی در نظر می‌گیرند. اما، علاوه بر احساس^۲ آن چه حس می‌شود، ما فهمی را بر آن چه حس می‌شود تحمیل می‌کنیم. وقتی بر روی عواطف خود رفتار می‌کنیم، ما نه تنها بر پایه آن احساس بلکه بر اساس آن هم نیز عمل می‌کنیم. از این رو، مفاهیم عاطفی مثال‌هایی بسیار روشن از آن مفاهیمی هستند که انتزاعی‌اند و در عین حال یک پایگاه آشکار در تجربه بدنی دارند. خشم، آن گونه که خواهیم دید، یک نمونه فوق‌العاده غنی است. یک ساختار مفهومی بسیار مفصل دارد. یک ساختار مقوله‌ای بسیار غنی نیز دارد، زیرا انواع گوناگونی از خشم وجود دارد که از برآشتگی به حس (righteous indignation) تا غضب (wrath) تا بی‌اعتنایی را در بر می‌گیرد.

در مطالعه دوم تک‌واژه روی (over) بررسی می‌شود. روی اساساً حرف اضافه است، اما هم چنین می‌تواند در جایگاه قید پیشوند، ادات و متمم فاعل نیز به کار برود. بیش‌تر از صد مضمون قابل شناسایی دارد که از طریق شباهت خانوادگی به هم مربوط می‌شوند. براگمن (۱۹۸۱) نشان داده است که مضمون‌های روی مقوله‌ای با ساختار شعاعی تشکیل می‌دهند؛ ما بخشی از تحلیل او را در این جا مرور خواهیم کرد و برای نمایش جزئیات روابط میان مضمون‌ها آن را بسط خواهیم داد. توصیف حروف اضافه در زبان انگلیسی، و همین‌طور در دیگر زبان‌ها، به‌طور سنتی و عمدتاً به دلیل کثرت مضمون‌ها همیشه مشکل بوده است. ما هم

فقط در سایه وجود نظریه پیش‌نمونه به تازگی مطالعه معنی‌شناسی حروف اضافه را شروع کرده‌ایم. البته، حروف اضافه تنها واژه‌هایی نیستند که معانی مربوط به هم‌چندگانه دارند. بیش‌تر واژه‌ها همین‌گونه‌اند. فرضِ براگمن باید به حالت‌های چند معنایی (یا معناهای چندگانه)، به‌طور کلی، قابلِ بسط باشد: چند معنایی ظاهراً حالتِ خاصی از مقوله‌بندی مبتنی بر پیش‌نمونه است، که در آن مضمون‌های واژه اعضایی یک مقوله‌اند. این کاربرد نظریه پیش‌نمونه در مطالعه معنی واژه، به حوزه‌ای که قبلاً هیچ سرسامانی نداشت نظم بخشیده است.

مطالعه سوم که طولانی‌ترین هم هست، به ساخت‌های دستوری می‌پردازد. در این مطالعه آشکار می‌شود که ساخت‌های دستوری مقوله‌هایی با ساختار شعاعی تشکیل می‌دهند. در نظریه زبان‌شناسی معاصر، این یک ادعای کاملاً بحث‌انگیز است. این مطالعه بر یک حوزه فوق‌العاده پیچیده و خیلی خوب مطالعه شده نحو زبان انگلیسی [ذیر-ساخت (Zürcher-construction) تمرکز خواهد کرد. مطالب زیادی در مورد این نوع ساخت‌ها معلوم شده است. با وجود این، قبلاً این ساخت‌ها در برابر همه تلاش‌ها برای یک تحلیل مناسب مقاومت کرده‌اند. تلاش خواهیم کرد نشان بدهیم که، اگر سه فرض زیر را بپذیریم، این ساخت‌ها هم بتوانند به‌طور مناسبی تحلیل شوند.

— ساخت‌های دستوری پیوندهایی میان صورت و معنی هستند.
— وجه ساختاری معنی با استفاده از مدل‌های شناختی قابل‌تصریف است.

— ساخت‌های دستوری مقوله‌هایی با ساختار شعاعی تشکیل می‌دهند.
مطالعه موردی سوم طولانی‌تر از دو تای دیگر است، که با توجه به اوضاع و احوال کنونی نظریه دستور، باید هم‌چنین باشد. در حال حاضر نظریه‌های دستور فراوانی وجود دارد، و تقریباً همه آن‌ها مبتنی بر نظریه

کلاسیک مقوله‌بندی هستند. اکثر این نظریه‌ها پیچیده و دارای انواع ابزارهای توصیفی هستند. به همین دلیل ظاهراً فقط یک راه برای ارائه یک مطالعه موردی کامل به منظور نشان دادن ضرورت مدل‌های شناختی و نظریه پیش‌نمونه در دستور وجود دارد: باید پدیده را با تعداد بسیار زیادی داده استثنا (یا موارد سرکش و نافرمان) انتخاب کرد، نشان داد که آن داده‌ها چه گونه مفهوم می‌شوند، تمامی تعمیم‌های مربوط را بیان کرد و نشان داد که چرا آن تعمیم‌ها نمی‌توانند در نظریه‌های دیگر بیان شوند. این یک کار مشکل و طولانی است، اما تا آنجا که من می‌دانم تنها راه برای انجام موانع مطالعه موردی است.

هرکدام از این ملاحظات موردی، واقعیت وجود مقوله‌های ساختمند شعاعی را تأیید می‌کنند. آن‌گونه که در بالا دیدیم، ساختار شعاعی تنها نوع ساختاری نیست که اثرهای پیش‌نمونه تولید می‌کند. اما نوع ساختاری است که با نظریه کلاسیک تفاوت بیشتری و بنیادی دارد:

اول، هیچ نوع تک‌بازنمایی‌ای برای مقوله ساختمند شعاعی وجود ندارد. باید برای زیرمقوله مرکزی یک، بازنمایی و برای هرکدام از زیرمقوله‌های غیر مرکزی بازنمایی‌های جداگانه در نظر گرفت، چون هیچ اصل کلی‌ای وجود ندارد که به کمک آن بتوان موارد غیر مرکزی را از روی حالت مرکزی پیش‌بینی کرد.

دوم، یک نظریه انگیزش مورد نیاز است، چون زیرمقوله‌های غیر مرکزی نه اختیاری هستند و نه از روی زیرمقوله مرکزی قابل پیش‌بینی. سوم، نظریه‌ای برای انواع رابطه‌های میان زیرمقوله مرکزی و زیرمقوله‌های غیر مرکزی لازم است.

چهارم، وقتی ماهیت این رابطه‌ها به تفصیل بیان شد، معلوم می‌شود که توصیف مناسب آن‌ها مستلزم نظریه تجربه‌گرای اندیشه و خرد با معنی، همراه با تمامی انواع مدل‌های شناختی‌ای است که در بالا به آن‌ها اشاره کردیم: گزاره‌ای، استعاری، کنایی و طرح‌واره تصویری.

چون مقوله‌های ساختمان‌دِ شعاعی با مقوله‌های کلاسیک تفاوت ریشه‌ای دارند، مطالعات موردی مفصلی برای مستند کردن وجود آنها ضرورت دارد.

نظریه‌های کلان، اگر ریزترین جزئیات را مستند نکنند، ارزش چندانی ندارند. مهم‌ترین چیزهایی که زیان‌شناسان شناختی باید به دیگر شاخه‌های علوم شناختی بدهند یک روش‌شناسی برای مطالعه جزئیات ریز زبان و ساختارهای مفهومی است - سطحی از جزئیات بسیار ظریف‌تر و غنی‌تر از آنچه دیگر تکنیک‌های موجود در حال حاضر بتوانند به آن پرداخت کنند. دلیل ارائه این مطالعات موردی نیز همین است.

www.ketaboo.ir